

سال دوم - شماره پنجاه و دوم

هفته‌نامه اجتماعی، فرهنگی

جمعه ۲۳ فروردین ۱۳۹۸ - ۱۲ آوریل ۲۰۱۹

کوله پشتی

فروش یادگاری‌های
جنگی در مونترال

۳۴

سیاره زنده

مونترالی‌ها
و طلای قهوه‌ای

۲۸

سیاست

سکولاریسم
مذهب کبکی

۱۲

ملاقات با هیولای غایب

۱۸



www.medad.ca

مداد، مجله آنلاین مونترال
هفته نامه اجتماعی، فرهنگی

شماره پنجاه و دوم، جمعه ۲۳ فروردین ۱۳۹۸ - ۱۲ آوریل ۲۰۱۹

سردبیر: شهرام یزدان پناه

تحریریه:

پوریا ناظمی، مهرانوش اردلان یکتا، مریم ایرانی، هدی حسینی،
زینب یوسف زاده، علی زندیه و کیلی، پریسا کوکلان، آزاده مقدم،
فرمهر امیردوست
طرح جلد: پریسا کوکلان

صفحه آرا: مانا نریمی

«مداد» هفته نامه دیجیتالی است و چاپ نمی شود.
اشتراک مجله هفتگی «مداد» رایگان است.
مشترکان هر جمعه نسخه الکترونیک «مداد» را روی ایمیل دریافت می کنند.
برای اشتراک اینجا کلیک کنید
برداشت و استفاده از مطالب «مداد» در صورت ذکر منبع مجاز است.
اگر مایل به نوشتن در «مداد» هستید، مطالب خود را به ایمیل زیر ارسال کنید:
editor@medad.ca

«مداد» در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است.

«مداد» هیچ مسئولیتی در قبال آگهی های تجاری ندارد.

تلفن: 4387388068

آدرس:

3285Cavendish blvd, #355 - Montreal, QC - H4B2L9

ایمیل:

info@medad.ca



با تبلیغ در «مداد» نه تنها به مشتریان خود وصل می شوید بلکه ادامه این حرکت فرهنگی را نیز ممکن می سازید. پیشاپیش از شما سپاسگزاریم.
برای درج آگهی در «مداد» با ما تماس بگیرید. ما فقط آگهی نمی فروشیم،
مشاوره تبلیغاتی رایگان هم می دهیم.

تلفن واحد آگهی ها: 5149160083

ایمیل: ads@medad.ca

تحقق شغل رویایی شما با شرکت در یکی از دوره‌های تخصصی ما



- دوره استارتینگ بزنس (۵ ماه)
- دوره فروش حرفه‌ای (۹ ماه)
- دوره نمایندگی فروش (۷ ماه)

دوره‌های رایگان

دوره‌های رایگان با امکان پرداخت
وام و بورس

تلفن:

۴۸۳۸ - ۵۱۳ ۵۱۴ (۵۱۴)

ثبت‌نام و مشاوره به زبان فارسی:

دوشنبه‌ها ساعت ۱۰ تا ۱۴ و چهارشنبه‌ها ساعت ۱۲ تا ۱۷

4055 St. Catherine west, #161, Montréal, QC

www.edudite.academy

تندروی ممنوع

کبک مدتی است که به خاطر قانون ۲۱ یا قانون سکولاریسم تب کرده است. قانون ۲۱ که هرگونه پوشش مذهبی را برای کارمندانی از دولت که حق اعمال حاکمیت دارند، ممنوع می‌کند، خیلی‌ها را به تب و تاب مخالفت انداخته و بسیاری را نیز سینه‌چاک موافقت نموده است.

همه ما که از ایران آمده‌ایم به خوبی می‌دانیم که اگر خوددار نباشی، در چنین بزنگاه‌هایی، بازار برچسب زدن و تقسیم کردن آدم‌ها به دو گروه «دیو» و «فرشته» چقدر ساده و راحت می‌شود. همچنین همه ما به خوبی تجربه کرده‌ایم که وقتی طرف مخالف خود را در یک بحث اجتماعی، سیاسی، اقتصادی یا دینی، با عناوینی غیراخلاقی و پلید خطاب کنی، راه برای ادامه گفتگو بسته خواهد شد و از آن «خط قرمز» به بعد، قدرت و ثروت و زورِ اسلحه تعیین کننده برنده یا بازنده چنین منازعه‌ای می‌شود.

به همین دلیل هفته گذشته زمانی که شهردار شهرک کوچکی در غرب مونترال، قانون ۲۱ را مترادف «پاکسازی قومی» دانست، جاستین تروود که خود مخالف این قانون است و تصویب آن را «غیرقابل باور» توصیف کرده بود، فوراً پا به صحنه گذاشت و از شهردار هامپستد خواست که بابت تندروی خود عذرخواهی کند.

این همان خط قرمزی بود که سیاستمداران غربی خوب یاد گرفته‌اند از هر فرصتی برای یادآوری اهمیت حفظ فاصله از آن استفاده کنند. در کامیونیتی ایرانیان مونترال بازار برچسب‌زنی سیاسی بسیار داغ است. امروز تو را عامل جمهوری اسلامی می‌خوانند و فردا وابسته به حزب توده. پس فردا مجاهدین خلقی می‌شوی و روز بعدش سلطنت‌طلب! اگر هم خودت را کاملاً از مسائل سیاسی جدا کنی به تو برچسب سیب‌زمینی و توسری‌خور سیاسی می‌زنند.

باید یاد بگیریم چون خودمان به اصلی باور داریم، نشانه «مقدس» بودن آن اصل و «پلید» بود سایر اصول نیست. باید به خودمان یادآوری کنیم چگونه وقتی مادر طبیعت خشمش می‌گیرد و سیل خانه هزاران ایرانی را از شمال تا جنوب ویران می‌کند، سینه‌ی همه ما بدون توجه به رویکرد سیاسی‌مان، مالا مال از اندوه می‌شود. ما نقاط اشتراک زیادی داریم، روی اختلاف‌ها تمرکز نکنیم!

«تندروی» نکردن کار «سختی» است.

شیرین زاده



ICP IMMIGRATION
مهاجرت — به کانادا

514-778-9011

موبایل

514-289-9044

دفتر کانادا

514-289-9022

فاکس :

021-2289-4567

دفتر تهران :

تماس مستقیم از ایران : 021-8531-2878

برای ارزیابی رایگان کلیک کنید

معصومه علیمحمدی (بهیانه)

عضو رسمی شورای مشاوران مهاجرت به کانادا

نادر خاکسار

مشاور املاک



اخذ وام برای مهاجرین با کمترین پیش پرداخت و بهره



514 969 2492



مونترال شهر زنده‌ای است. پایتخت فرهنگی آمریکای شمالی که سبک زندگی اروپایی آن زبازد است. هر روز در این شهر اتفاقی فرهنگی و هنری می‌افتد که از روح چند فرهنگی شهر نشأت گرفته است. کنسرتی از هندوستان، تئاتری از فرانسه، نمایش فیلمی از روسیه و یک گالری از آمریکای جنوبی.

با «ویترین» همراه شوید و رویدادهای فرهنگی - هنری مونترال را به سلیقه «مداد» تجربه نمایید.

موسیقی

CARACOL

جمعه ۱۹ آوریل ساعت ۲۱

محل اجرا :

🏠 Maison de la culture Ahuntsic-Cartierville

اطلاعات بلیت : 🎫

کارول فاکال (Carole Facal) که به کاراکول شهرت دارد، خواننده، ترانه‌سرا و نوازنده‌ی ویولن و گیتار مونترالی است که در سال ۱۹۹۸ گروه موسیقی DobaCaracol را به همراهی Doriane Fabreg راهاندازی کرد. این هنرمند با نگاه تازه‌ای به موسیقی مونترالی، با صدای متفاوت خود، چند سبک موسیقی را باهم تلفیق می‌کند. در این اجرا Sébastien Blais-Montpetit او را همراهی خواهد کرد.

LIOR SHOOV

سه‌شنبه ۲۳ آوریل ساعت ۱۹:۳۰

محل نمایش :

🎭 Maison de la culture de Rosemont-La Petite-Patrie

🎭 اطلاعات بلیت :

این هنرمند جوان به نواختن طیف مختلفی از سازها، از هارمونیکا تا طبل و Ukulélé مشغول است. آواز، موسیقی مکان‌های مختلف دنیا و حرکات موزون در این برنامه اجرا خواهند شد. استعداد و تجربه بی‌نظیر LIOR SHOOV در تنظیم‌های بداهه و چرخیدن میان سبک‌های موسیقی و شخصیت خاص هنرمند، این نمایش را متفاوت می‌سازد.



نمایشگاه
نقاشی

LES BONS AMIS

دوستان خوب

تا ۲۸ آوریل

محل نمایش :

Maison de la culture Côte-des-Neiges

ورودی رایگان

ماریان دوبوک (Marianne Dubuc) هنرمندی است که آثار تصویرسازی خود را نمایش می‌دهد. او که در زمینه تصویرسازی کتاب کودک فعال است، در این نمایشگاه آثاری مربوط به مجموعه‌هایی همچون «شیر و پرنده»، «اتوبوس»، «موش پستچی» و «راه کوهستان» را برای نمایش انتخاب کرده است. تصاویری که او برای کودکان نقش می‌کند، با بالا بردن قوه‌ی تخیل به آن‌ها یاری می‌رساند تا مفاهیم مطرح‌شده در داستان را بهتر درک کنند. این نمایشگاه برای کودکان ۲ تا ۱۰ سال در نظر گرفته شده است.

کارگاه خلاقه خانوادگی

ATELIERS CRÉATIFS EN FAMILLE

شنبه ۲۰ آوریل ساعت ۱۰:۳۰

محل نمایش:

🏠 Maison de la culture Claude-Léveillé

اطلاعات بلیت: 🏠

مرکز فرهنگی La maison de la culture Claude-Léveillé از علاقه‌مندان دعوت می‌کند تا در کارگاه‌های خلاقه‌ای که با الهام از نمایشگاه در حال نمایش در مرکز برگزار می‌شود، شرکت کنند. در همین راستا در آغاز، شرکت‌کنندگان به کمک راهنما از نمایشگاه دیدن کرده، سپس وارد مراحل سپری کردن کارگاه می‌شوند.

کارگاه
کودکان

● مرکز فراگیری خلاق فانوس ●



✓ کلاس های زبان انگلیسی و فرانسه از مقدماتی تا پیشرفته
(بزرگسال)

✓ کلاس های آموزش زبان خلاق (کودکان و نوجوانان)

www.faunus.ca

info@faunus.ca

[fb@faunus.institute](https://www.facebook.com/faunus.institute)

514 431 3345

420- 3285 BLVD CAVENCISH,
MONTREAL, QC.H4B 2L9



Image: Graham Hughes / THE CANADIAN PRESS

عده‌ای از معترضان مونترالی در مخالفت با قانون ۲۱ به خیابان آمده‌اند. روی تابلو نوشته شده «ما آموزش می‌دهیم، موعظه نمی‌کنیم»

سکولاریسم؛ مذهب کبکی

کبک بر طبل جدایی دین از سیاست می‌کوبد

شهرام یزدان پناه یکشنبه، هفتم آوریل مجدداً صدها نفر از معترضان به قانون ۲۱ یا قانون سکولاریسم (جدایی دین از سیاست) که پوشیدن نشانه‌های دینی توسط برخی از کارمندان دولت از جمله معلمان را ممنوع می‌کند، به خیابان‌های مرکز شهر مونترال آمدند و آنچه آنها تبعیض دینی خوانند را محکوم کردند.

در مقابل این موضوع، عکس‌العمل ایرانیان که از کشوری به شدت دینی شده به کانادا مهاجرت کرده‌اند، بسیار متفاوت است. عده‌ای به شدت مخالف این لایحه و عده‌ای به شدت موافق آن هستند. برای درک این قانون باید کمی کبکی شد و به فرهنگ و تاریخ این مردم نیم‌نگاهی انداخت تا بفهمیم ریشه این قانون که مورد حمایت اکثریت کبکی‌ها نیز هست، از کجا آب می‌خورد. بیش از یک دهه است که سکولاریسم یا آنطور که فرانسوی‌زبانان می‌گویند لائسیته (laïcité) به شدت فرهنگ سیاسی استان کبک را تحت تأثیر خود قرار داده است. سیاستمداران کبکی در برخی موارد آنقدر بر نعل «جدایی دین از سیاست» می‌کوبند که خود یادآور رفتار مذهبی‌های متعصب می‌شود. این نوع اصرار بر جدایی دین از سیاست در دیگر استان‌های کانادا آنقدرها جدی گرفته نمی‌شود و تلاش‌های سیاسی کبکی‌هاست که گاهی به دیگر کانادایی‌ها یادآور می‌شود باید کمی هم درباره این موضوع مناظره کنند.

قانون ۲۱

بیست و هفتم ماه مارس دولت کبک لایحه قانونی را تقدیم مجلس کرد که به قانون ۲۱ شناخته می‌شود. در لایحه سکولاریسم یا قانون ۲۱ که دولت CAQ هفته پیش تقدیم مجلس کبک نمود، پوشیدن نشانه‌های مذهبی توسط کارمندان دولت که حق اعمال حاکمیت دارند مثل قضات، پلیس، نیروهای نظامی، معلمان و مدیران مدارس و سخنگوی مجلس کبک ممنوع شده است. با این حساب دولت در مورد کسانی که در حال حاضر در دولت کبک مشغول کار هستند، استثناء قائل شده و به آنها اجازه داده به کار خود ادامه دهند.

کبک در مبارزه با پوشش مذهبی سابقه طولانی دارد. دولت پائولین ماروآ از حزب کبکوآ در دوره کوتاه قدرت خود در سال‌های ۲۰۱۲ ضمن اینکه عنوان اولین نخست‌وزیر زن در تاریخ کبک را یدک می‌کشید، لایحه قانون‌مندسازی حجاب و برقع را در دستور کار خود قرار داد. در آن قانون هم پیشنهاد شده بود تا زنان شاغل در دولت از پوشیدن حجاب و برقع منع شوند.

تلاش دوم توسط دولت پیشین استان از حزب لیبرال انجام گرفت که در پیشنهادیه قانونی‌شان پیشنهاد کرده بودند ارائه خدمات دولتی از جمله اجازه سوار شدن به اتوبوس شهری برای زنانی که صورت خود را می‌پوشانند، متوقف شود. این قانون در دادگاه و به دلیل اینکه راه‌کار مناسبی برای اجرای آن پیش‌بینی نشده بود، متوقف گردید.

حالا فرانسوا لوگو، نخست‌وزیر تازه انتخاب شده کبک از حزب راست‌گرای CAQ تصمیم گرفته با قانون ۲۱ شانس خود برای کنترل پوشش مذهبی کارمندان دولتی که حق اعمال حاکمیت دارند را امتحان کند.

سکولاریسم کبکی: این بار محتاط‌تر

اما لوگو با احتیاط قدم برداشت. اول اینکه در قانون ۲۱ پیش‌بینی شده تا برای کارمندان فعلی دولت استثناء قائل شوند. بنابراین معلمان یا سایر کارمندان فعلی دولت که دارای حق اعمال حاکمیت هستند و یکی از نشانه‌های مذهبی مثل حجاب، برقع یا عمامه و کلاه می‌پوشند از اجرای این قانون معاف شده‌اند.

اما قدم دوم، از خودگذشتگی بیشتری احتیاج داشت. مجلس کبک طبق یک رای‌گیری مخفی تصمیم گرفت تا صلیبی که پشت سر سخنگوی مجلس نصب بود را بردارد تا وقتی دولت ادعای لائیک بودن دارد، خود در عمل آن را ثابت کند. از همان ابتدایی که مخالفان این قانون خواستار برداشتن این صلیب شده بودند، فرانسوا لوگو با منصوب کردن این صلیب به تاریخ و فرهنگ کبک، مایل به دور زدن این موضوع بود؛ اما در نهایت تسلیم شد.

اما این عقب‌نشینی‌ها مخالفان قانون ۲۱ را راضی نکرد. اداره مدارس انگلیسی‌زبان رسماً اعلام کرد که این قانون را اجرا نخواهد کرد. رهبران مذهبی و معترضان این طرح را تبعیض علیه زنان مسلمان و مردان سیک نامیدند و اعلام کردند نباید انسان‌ها به خاطر عقایدشان مجبور به انتخاب بین شغل یا مذهب‌شان شوند. در دولت فدرال هم صدای معترضان بالا بود و همه رهبران احزاب عمده کانادا کنترل کردن پوشش مردم را کاری ناپسند نامیدند. در این بین خشم جاستین ترودو، نخست‌وزیر کشور از همه بیشتر بود تا جاییکه گفت: «برایم غیرقابل تصور است که ما در یک جامعه آزاد بین شهروندان بر اساس دین و مذهب‌شان تبعیض قائل شویم.»

فرانسوا لوگو: «لائیسیته» ادامه «انقلاب آرام» است

از آن طرف اما لوگو ضمن دفاع از قانون ۲۱ اعلام کرد که این قانون دین خاصی را هدف نگرفته است. او ادامه داد که طرح قانونی سکولاریسم در واقع ادامه حرکت «جدایی دین از سیاست» کبک است که از دهه ۱۹۶۰ با بیرون راندن کلیسای کاتولیک از امور اجرایی دولت شروع شده بود. حرکتی که از آن با عنوان «انقلاب آرام» نام برده می‌شود. طی «انقلاب آرام» کلیسای کاتولیک قدرت و نفوذ بی‌چون و چرای خود را از دست داد و بدینوسیله زمینه برای ایجاد حرکتی بزرگ ایجاد شد تا کبک مدرن امروز شکل گیرد.



Image: THE CANADIAN PRESS

با تصویب قانون ۲۱، صلیبی که بالای سر سخنگوی مجلس نصب شده، برداشته خواهد شد

کلیسا از زمان ساموئل شامپلن تا همین اواخر در زندگی کبکی‌ها تاثیر عمیق و حاکمانه‌ای داشته است. مدارس، بیمارستان‌ها و تقریباً همه فعالیت‌های اجتماعی مردم توسط کلیسای کاتولیک کنترل می‌شد و کشیش‌ها حتی در اتاق خواب کبکی‌ها هم دخالت می‌کردند تا مطمئن شوند که همیشه نیروی کار لازم و جوان در مزارع وسیع و جنگل‌های پرپشت این استان حاصل‌خیز وجود دارد. نیروی کاری که ثروت بیشماری را به جیب کلیسا می‌ریخت تا قدرتمندتر شده و کنترل بیشتری اعمال نماید. می‌گویند اگر زنی کبکی برای مدتی باردار نمی‌شده، کشیش به دیدار خانواده می‌رفته تا مطمئن شود زن و شوهر دست برای تولید فرزند بعدی دست به کار خواهند شد.

این کنترل بی حد و حصر کلیسا بر مردم، انقلاب آرام دهه ۶۰ را پدید آورد و زمین‌ساز ایجاد فرهنگ لائیک در کبک گردید. فرهنگی که به شدت برای جدایی دین از سیاست تلاش می‌کند.

امان از دست دولت تندروی CAQ؟

قانون ۲۱ فقط محصول اتاق فکر حزب «ائتلاف آینده کبک» (CAQ) نیست. ماجرا به سال ۲۰۰۶ و زمانی بازمی‌گردد که دادگاه عالی کانادا حکم یک دادگاه کبکی را که به مسئولان مدارس اجازه می‌داد جلوی حضور دانش‌آموزان سیک را (مذهبی بخشی از مردم هندوستان) که خنجر به کمر می‌بندند، به داخل کلاس درس بگیرند.

بعد از آن، رسانه‌ای شدن درخواست اقلیت مسلمانی که از خانه‌های شهرداری استفاده می‌کردند و همچنین جامعه یهودیان ارتدوکس برای مدارس دخترانه که هر دو درخواست داشتند شیشه‌های پنجره مات شوند تا زنان و دختران از بیرون دیده نشوند، مناظره بزرگی در جامعه کبک به وجود آورد که آیا باید مثل ایالات متحده مهاجران را مجبور به ادغام در جامعه میزبان نمود یا با تحمل سبک زندگی‌ها و رسوم مختلف، اجازه داد زندگی مسالمت‌آمیز مردم از ملیت‌های مختلف با فرهنگ‌های متفاوت در کنار هم شکل گیرد.

پیرو این دو واقعه، دولت لیبرال وقت در استان کبک، کمیسیونی به رهبری ژرار بوشار و چارلز تیلور تشکیل داد تا این موضوع را بررسی کنند. گزارش سال ۲۰۰۸ این کمیسیون همراه با پیشنهادنامه‌ای منتشر شد که تلاش داشت تا شرایط را برای ادغام بیشتر گروه‌های مهاجر در جامعه کبک فراهم آورد.

در این گزارش، توصیه شده صلیب پشت سر سخنگوی مجلس برداشته شود، نیایش قبل از جلسات شورای شهر متوقف گردد و کارمندان از دولت که دارای حق حاکمیت هستند مثل قضات، افسران پلیس و

دادستان‌ها از پوشیدن هرگونه نماد مذهبی در هنگام انجام وظیفه منع شوند. در این گزارش تاکید شده که دانش‌آموزان، معلمان، پرستاران و سایر کارمندان بخش خدمات عمومی باید اجازه داشته باشند تا در صورت تمایل طبق دستور دین و مذهب خود لباس بپوشند.

بعد از سال‌ها تلاش توسط چند دولت مختلف از احزاب گوناگون، حالا دولت راست‌گرای CAQ تلاش دارد تا نسخه خودش را از این تلاش امتحان کند. قانون ۲۱ که پا را از گزارش بوشار فراتر گذاشته و معلمان را نیز از پوشش مذهبی منع کرده، تا اینجای کار و علی‌رغم همه مخالفت‌ها مخصوصاً مخالفت اتاوا، حمایت اکثریت مردم کبک را دارد.

ریشه‌های قانون ۲۱ در فرهنگ و تاریخ کبک

ایوان لاموند، استاد تاریخ دانشگاه مک‌گیل معتقد است این نوع برخورد با مذهب ریشه در تاریخ و سنت فرانسوی کبکی‌ها دارد. او به خبرنگار The Star گفت: «سکولاریسم و تلاش برای جدا نگه داشتن دین از سیاست به انقلاب سال ۱۷۸۹ فرانسه برمی‌گردد که منجر به حذف سلطنت و تشکیل جمهوری در کشور فرانسه شد.» گویا در آن زمان روحانیت که پایه‌های قدرتمندتری در دوران سلطنت داشته، تلاش می‌کرده تا جمهوری را به زانو درآورد و بنابراین جدا نگه داشتن دین از سیاست، تلاش انقلابیون برای دفاع از نوع جدید حکومت‌داری آنها بوده است.

لاموند اضافه می‌کند: «دین در آن زمان و از زاویه دید انقلابیون تهدیدی برای جمهوری بوده و بنابراین فرهنگ سکولاریسم یک ترفند دفاعی بوده است.» دفاع در برابر قدرت گرفتن دوباره دستگاه کلیسا که در اواسط قرن نوزدهم در فرهنگ فرانسوی مردم کبک هم رسوخ پیدا کرد و با انقلاب آرام، کبکی‌ها از زیر سلطه کلیسا نجات پیدا کردند.

این طرز نگرش به سکولاریسم با برداشتی که فرهنگ انگلیسی‌زبان‌ها از جدایی دین از سیاست دارند، متفاوت است. در نگرش انگلوساکسونی به سکولاریسم، حق افراد برای ابراز عقیده و پیروی از دین و آیین مورد نظر خود فرد محترم شمرده می‌شود. سکولاریسم یکی از اختلاف نظرهای عمده این دو تفکر روشنفکری حاکم بر جهان است.

مناظرات پیرامون قانون ۲۱ چندفرهنگی بودن کشور، حقوق زنان، حقوق اقلیت‌های دینی و حق آزادی انتخاب دین را شامل می‌شود. راه تصویب این قانون در مجلس کبک با توجه به اکثریت مجلس که در اختیار حزب «ائتلاف آینده کبک» است، هموار به نظر می‌رسد اما مطمئناً دولت کبک بابت این قانون بارها و بارها به دادگاه کشانده خواهد شد.

مریم دلشاد

مشاور سفرهای شما

- ◀ مناسب ترین قیمت بلیت
- ◀ تور و کروز
- ◀ بیمه سفر
- ◀ حج عمره و تمتع



VOYAGES MENARA



Cell: 438-405-8323

Tel: 514-940-0911

Email: [maryamdelshad @ voyagesmenara.ca](mailto:maryamdelshad@voyagesmenara.ca)

Address: 1620B Sherbrooke St. W

Montreal, QC H3H 1C9

ملاقات با هیولای غایب

درباره نخستین تصویری
که از افق رویداد یک سیاهچاله
تهیه شده است

پوریا ناظمی هفته گذشته لابلای خبرهای متنوعی که ما روزانه از تحریریه «مداد» برای شما تهیه می‌کنیم، خبر کوچکی هم منتشر شد که خبر از رونمایی از نخستین تصویر از یک سیاه‌چاله در تاریخ بشریت می‌داد. این تصویر رادیویی که به شکل مجازی رنگ‌آمیزی شده بود، از سیاه‌چاله‌ای گرفته شده بود که ۶ میلیارد بار سنگین‌تر از خورشید وزن داشت و ۵۳ میلیون سال نوری از ما دور بود.

چهارشنبه، دهم آوریل، علاقه‌مندان به علم، چشم به صفحات رایانه‌های خود دوخته بودند تا برای نخستین بار چهره نادیدنی یک سیاه‌چاله را ببینند.

دانشمندان در شهر واشنگتن ایالات متحده، بلژیک، دانمارک، شیلی، ژاپن، چین و تایوان کنفرانس خبری همزمانی را برگزار کردند تا از یکی از مهم‌ترین تصاویر تاریخ علم بشر، رونمایی کنند.

تصویر نهایی شباهتی با تصویرسازی‌های خیالی که در طول سال‌های طولانی از سیاه‌چاله‌ها انجام شده بود، نداشت. تصویری نسبتاً مات از افق رویداد یک سیاه‌چاله در فاصله‌ای بیش از پنجاه سال نوری از زمین؛ اما همین تصویر مات، جهانی را بهت زده کرد، اشک بر چشمان بسیاری آورد و نشان داد که بشر اگر امکانات و توانایی خود را در مسیر هدف مشخصی قرار دهد، چه افق‌هایی برای او قابل تصور است.

اهمیت این تصویر تنها در این نیست که نخستین بار است که چنین نمایی را می‌بینیم. این مساله مهمی است؛ اما مهم‌تر از آن این است که یک بار دیگر این تصویر نشان می‌دهد که تا چه حد مُدل‌های ما از عالم دقیق بوده است. اینکه چطور ما توانستیم زبان طبیعت را کشف کرده و از دل معادلات ریاضیاتی تصویری از طبیعت به دست بیاوریم که قابل اعتماد است.

سابقه عکس یک سیاه چاله

تصویری که روز چهارشنبه منتشر شد مانند بسیاری از تصاویر علمی امروز حاصل یک عکاسی ساده نبوده است.

این تصویر حاصل مشارکت تعدادی از پیشرفته‌ترین رصدخانه‌های رادیویی در سراسر جهان بود که در پروژه‌ای موسوم به رصدخانه «افق رویداد» توان خود را به اشتراک گذاشته بودند.

رادیوتلسکوپ‌های آلمان، ای‌پکس، ایران، جیمز کلارک ماکسول، تلسکوپ رادیویی آفونسو سرانو، آرایه زیر میلیمتری، تلسکوپ رادیویی زیر میلیمتری و تلسکوپ قطب جنوب، داده‌های اولیه برای تهیه این عکس را جمع‌آوری کردند. حجم عظیمی از داده‌های الکترونیکی (چندین پتابایت داده) به دو مرکز پردازش ابررایانه‌ای در موسسه مطالعات رادیو تلسکوپی ماکس پلانک و موسسه فناوری ماساچوست در MIT ارسال شد و در آنجا به کمک الگوریتمی خارق‌العاده، مورد تحلیل قرار گرفت تا در نهایت این تصویر به نظر ساده از دل آن به دست آمد.

آمانند هر دوربین یا تلسکوپ دیگری، قدرت یک تلسکوپ رادیویی نیز به قطر دهانه آن بستگی دارد. رصدخانه‌هایی که نام آن‌ها ذکر شد، طی این پروژه مشترک در زمانی واحد، به هدفی مشخص در آسمان نگاه می‌کردند و داده‌های جمع‌آوری شده را به یک مرکز پردازش اطلاعات ارسال می‌کردند. به این ترتیب دانشمندان صاحب تلسکوپی شدند که قطر دهانه آن به اندازه قطر سیاره زمین بود (تحریریه مداد) [

سیاه چاله‌ها از کجا آمده‌اند؟

زمانی که آلبرت انیشتین در سال ۱۹۱۵ میلادی ایده و نظریه نسبیت عام را مطرح می‌کرد کمتر کسی فکر می‌کرد این چشم‌انداز تازه به دنیا در دل خود نطفه یکی از عجیب‌ترین موجودات عالم را داشته باشد.

نظریه نسبیت عام - به طور غیر دقیق و فوق‌العاده ساده شده بیان می‌کرد که ماده و جرم می‌تواند منجر به خمیده شدن بافتار در هم تنیده فضا زمان شود. مانند زمانی که توپی فلزی را در میان یک صفحه لاستیکی قرار می‌دهید. همین خمیدگی در نهایت باعث می‌شود تا اجرام مختلف در مدارهای مختلف حرکت کنند. به عبارت دیگر ماده باعث خمش فضا زمان شده و خمش فضا زمان نحوه حرکت ماده در آن را به آن جرم دیکته می‌کند.

چند ماهی از انتشار این نظریه نگذشته بود که دانشمندی آلمانی به نام کارل شوارتزشیلد، به مطالعه و گمانه‌زنی درباره این نظریه پرداخت. او شروع به کار روی معادلات انیشتین کرد و به نوعی ضمن بازی کردن با آن‌ها و محک زدن آن‌ها در شرایط ویژه به نتیجه‌ای غیر منتظره رسید: اگر جرمی به اندازه کافی چگال باشد (نسبت جرم به حجم بالایی داشته باشد) در نهایت ممکن است میزان خمیدگی فضا زمان را به حدی برساند که - به روایتی غیر دقیق - درون آن نوعی شکاف و پارگی ایجاد شود.

آن توپ سنگین را به یاد دارید که در صفحه کشیده شده پلاستیکی انداخته بودیم؟ حالا تصور کنید این گلوله سنگین و سنگین تر شود و در نهایت کار از خمیدگی می‌گذرد و در جایی که این توپ قرار دارد نوعی شکاف به وجود می‌آید (می‌توانید بگویید میزان خمیدگی به بینهایت میل می‌کند). این نقطه را اصطلاحاً، تکینگی (Singularity) می‌نامند. این تکینگی‌ها در دهه ۱۹۶۰ میلادی به نام سیاه‌چاله خوانده شدند.

بر اساس این نظریه این چاله‌های گرانشی آن قدر می‌توانند عمیق و قدرتمند باشند که به محض اینکه وارد آن‌ها شوید - چه شما چه هر جرمی و چه حتی پرتو نور - دیگر راه برگشتی وجود ندارد. در اطراف این چنین جرمی مرز مشخصی وجود دارد - که به نام شعاع شوارتزشیلد می‌شناسیم و وابسته به جرم مرکزی است - و این نهایت جایی است که ممکن است شانس برای فرار از سقوط به درون سیاه‌چاله وجود داشته باشد. با گذر از این مرز آنچه از بیرون سیاه‌چاله می‌توانیم ببینیم تیرگی مطلق است.

جمع کثیری از دانشمندان با چنین نتیجه‌ای از معادلات نسبیتی همدلی نداشتند. یکی از معروف‌ترین آن‌ها خود آلبرت انیشتین بود که زمان زیادی را صرف مطالعه و به دست آوردن راه حلی کرد که بدون آنکه آسیبی به معادلات نسبیتش برسد چنین نتیجه‌گیری را رد کند. اما قرار نیست اگر شما چیزی را کشف کردید آن موضوع همیشه مطابق میل شما رفتار کند.

افسانه‌زدایی از برداشت عمومی از سیاه‌چاله

قبل از اینکه پیش‌تر برویم بیایید به تصویری که از سیاه‌چاله‌ها و به واسطه فرهنگ عامه در ذهنمان ایجاد شده برگردیم. درکی که با واقعیت فاصله زیادی دارد.

بسیاری تصور می‌کنند سیاه‌چاله‌ها شبیه جاروبرقی‌های غول‌آسایی هستند که به سرعت هرچه در اطرافشان هست را هورت می‌کشند. برای مثال اگر خورشید ما روزی به سیاه‌چاله بدل شود (که نمی‌شود) یک باره همه منظومه شمسی از مسیر خود خارج شده و به درون آن سقوط می‌کنند.

به خورشید برگردیم و فرض کنیم به دلیلی غیر قابل توضیح همین الان یک باره و بدون هیچ توضیحی خورشید ما در کسری از ثانیه فشرده شده و تبدیل به سیاه‌چاله شود. چه تغییری در مدار سیاره‌های منظومه شمسی رخ می‌دهد؟ مطلقاً هیچ.

یادمان باشد که آنچه سیاره‌ها را بر مدار خود قرار داده است نیروی گرانش است. خورشید زمانی که به سیاه‌چاله بدل شود همان جرم و همان نیروی گرانش را دارد (هرچند ظاهرش تغییر کرده) و به همین دلیل هم تغییری در موقعیت سیاره‌ها رخ نمی‌دهد و یک باره همه اجرام منظومه شمسی راه خود را به سوی آن کج نمی‌کنند و درون آن سقوط نمی‌کنند.

اما اگر روزی توانستید به فضا سفر کنید. این توصیه ایمنی را جدی بگیرید و از سرک کشیدن در اطراف افق رویداد ابرسیاه‌چاله‌های غول‌آسا خودداری کنید و به یاد داشته باشید که سقوط درون آنها تنها یکی از مصایب قدم زدن در اطراف افق رویداد است.

سقوط درون سیاهچاله

اگر این توصیه را جدی نگرفتید و به افق رویداد نزدیک شدید و از آن گذشتید، سرنوشت خوش آیندی در انتظار شما نیست و اوضاع واقعا وخیم خواهد شد. به قول رینر وایز، استاد دانشگاه MIT که به دلیل پیش‌بینی و تفکیک امواج گرانشی، جایزه نوبل را به خود اختصاص داده است، در نهایت با ورود به سیاهچاله شما به دلیل تفاوت فشارهای گرانشی که بر نقاط مختلف بدنتان وارد می‌شود، از هم دریده می‌شوید. هرچقدر پیش‌تر روید سیاهچاله و تفاوت نیروی گرانش آن مولکول‌ها و حتی هسته‌های مولکول‌های تشکیل دهنده شما را از هم می‌درد تا اینکه به خود تکینگی برسید. جایی که بر اساس پیش‌بینی قوانین فیزیکی انحنای فضا زمان بینهایت می‌شود و همه قوانین فیزیکی به شکلی که می‌شناسیم از اعتبار ساقط می‌شوند. این همان نقطه‌ای است که به قول وایز هیچ کسی نمی‌داند چه باید درباره‌اش بگوید. برای توضیح این موقعیت و درک تکینگی باید یاد بگیریم که چطور از نظریه کوانتومی گرانش استفاده کنیم. اما چطور باید این کار را بکنیم؟ آنگونه که وایز می‌گوید ما هنوز چنین تئوری کاملی در اختیار نداریم.

به دام انداختن موجود نامریی

برخلاف صفت‌هایی که برای توصیف این اجرام به کار می‌بریم - نظیر غول آسا، هیولوار و سایر صفت‌هایی که در همین نوشته هم به کار رفته است - سیاهچاله‌ها واقعا فاقد شخصیت بیرونی هستند. یادمان باشد هرچیزی که به درون سیاهچاله سقوط کند در نهایت همه ماهیت‌ها و ویژگی‌های خود، غیر از جرم را از دست می‌دهد. جان ویلر زمانی گفته بود سیاهچاله‌ها مو ندارند. به این معنی که نمی‌توان انتظار داشت سبک آرایش موی ویژه آن‌ها را دید یا شخصیت آن‌ها را از ظاهرشان حدس زد. چون ظاهری ندارند.



کتی یومن سرپرست گروه طراحی الگوریتم استخراج تصویر در کنار داده‌هایی که از دل آن تصویر سیاهچاله تهیه شد

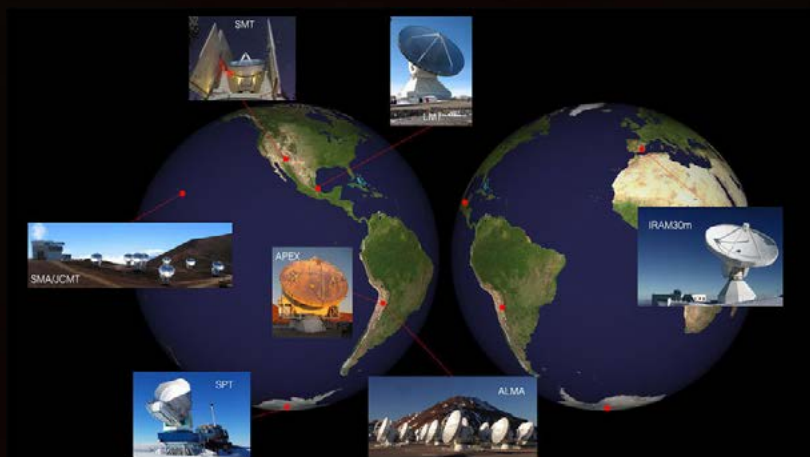
برای همین هم تلاش برای رصد حاشیه و اطراف سیاه‌چاله است که در دستور کار قرار دارد.

تصویر افق رویداد کهکشان M ۸۷ یکی از مهم‌ترین دست‌آوردهای بشر برای درک سیاه‌چاله‌ها تا امروز است. تصویری که روز چهارشنبه از افق رویداد این سیاه‌چاله منتشر شد، در واقع بر شانه تلاش‌های متعدد بسیاری قرار داشت که برای تصویربرداری از حاشیه یک سیاه‌چاله انجام شده بود.

ایده تصویربرداری از سیاه‌چاله عملاً از سال ۱۹۷۲ و با همکاری دو دانشمند آغاز شد. اما برای ثبت نخستین تصویر از افق رویداد یک سیاه‌چاله، (یعنی همان تصویر معروفی که دیده‌اید) دانشمندان سراسر جهان دست به دست هم دادند تا در پروژه معروف به تلسکوپ افق رویداد، بتوانند نخستین تصویر از یک سیاه‌چاله یا بهتر بگوییم بازی نور در اطراف افق رویداد آن را ثبت کنند.

نامزدهایی برای ثبت تصویر سیاه‌چاله

برای این کار این دانشمندان دو نامزد ابتدایی را در نظر داشتند. ابرسیاه‌چاله مرکز راه شیری یا همان قوس A* و ابرسیاه‌چاله‌ای که در مرکز کهکشان معروف به مسیه ۸۷ جای خوش کرده است. کهکشان M ۸۷ یا سنبله A در صورت فلکی سنبله قرار دارد و برای رصدگران آماتور جرم آشنایی است. این جرم را که می‌توان با یک دوربین دوچشمی بزرگ یا تلسکوپ معمولی در شبی تاریک رصد کرد، یک کهکشان بیضوی غول‌پیکر است که در فاصله حدود ۵۵ میلیون سال نوری از زمین قرار دارد.



نقشه زیر موقعیت رصدخانه‌هایی که در این تصویر برداری استفاده شده است را نشان می‌دهد

حدس زده می‌شود در مرکز این کهکشان ابر سیاه‌چاله‌ای قرار داشته باشد که جرم آن حدود شش و نیم میلیارد برابر جرم خورشید ما است. گروه رصدخانه افق رویداد از سال ۲۰۱۷ به سراغ این کهکشان رفتند و سعی کردند این هیولای پنهان در مرکز آن را در قاب تصویر به دام بیندازند. این گروه برای این کار در مدت ده روز در سال ۲۰۱۷ به طور غیر پیوسته به رصد اهداف خود (کهکشان M ۸۷) و مرکز راه شیری پرداختند و در نهایت دو سال گشته را به تحلیل و تنظیم داده‌ها پرداختند.

دلیل اینکه تصویر نهایی از مرکز کهکشان M ۸۷ آماده شد به ذات پرهیاهوتر کهکشان راه شیری باز می‌گردد که تهیه تصویر نهایی را با خطای بیشتر همراه می‌کرد و نتیجه کار رضایت‌بخش نبود. ماهیت پایدارتر M ۸۷ باعث شد تا نام آن در تاریخ بشریت به عنوان نخستین سیاه‌چاله تصویربرداری شده ثبت شود.

چه چیزی را دیدیم؟

تصویری که چهارشنبه هفته پیش منتشر شد، نخستین تصویر مستقیم از یک سیاه‌چاله است. سیاه‌چاله‌ای با جرم معادل شش و نیم میلیارد برابر جرم خورشید در قلب کهکشانی در فاصله ۵۵ میلیون کیلومتری ما قرار دارد. با این وجود باید کمی در تفسیر این تصویر احتیاط کنیم.

حفره تاریکی که در مرکز این تصویر می‌بینید خود سیاه‌چاله نیست بلکه تاثیر گرانش آن است که به آن سایه سیاه‌چاله گفته می‌شود.

در واقع گرانش سیاه‌چاله باعث می‌شود تا پرتوهای نور موادی که در اطراف این سیاه‌چاله قرار دارند خمیده شده و به سمت ما بیایند و در نتیجه یک فضای خالی را در جایی که خود سیاه‌چاله قرار دارد ایجاد کند.

برای اینکه درکی از ابعاد تصویر داشته این حفره تیره در میانه این تصویر در حدود ۴۰ میلیارد کیلومتر طول دارد. در مقام مقایسه فاصله خورشید تا نپتون (دورترین سیاره منظومه شمسی) حدود ۵ میلیارد کیلومتر است.



با مدیریت

دکتر رضا پارسانژاد

- دعوت نامه اختصاصی اقوام
- تکمیل کلیه فرم ها
- پذیرش دانشگاه با بورس تحصیلی
- امور کنسولی
- وکالت نامه به ایران
- ازدواج و طلاق

514 979 - 4551

**4055 Ste Catherine O.
#131, Westmount, QC,
H3Z 3J8**

متین تیره دست

مشاور امور مالی
و فارغ التحصیل دانشگاه
صنعتی شریف و ETS



514 690 6181

www.ia.ca

- بیمه عمر
- بیمه مسافرتی
- بیمه وام مسکن
- بیمه از کار افتادگی
- حساب های پس انداز و سرمایه گذاری
- برنامه های بازنشستگی
- حساب های سرمایه گذاری کودکان

مونترالی ها و طلای قهوه‌ای

زینب یوسف زاده برای زباله‌هایی که ما به صورت هفتگی در شهر مونترال تفکیک می‌کنیم، سه اتفاق می‌افتد: بازیافت می‌شوند، تبدیل به خاک مرغوب پرورش گیاهان می‌گردند و یا به عنوان زباله در زمین دفن می‌شوند. گروه دوم را پسماند آلی یا ارگانیک می‌نامند.

هر چه جدا کردن مواد آلی (زباله‌های آشپزخانه) از سایر زباله‌ها، در جهت مدیریت بهینه زباله شهری کار مثبتی است، مخلوط کردن آن با زباله‌هایی که در زمین دفن می‌شود اثرات محیط زیستی بدی دارد. چرا که تفکیک زباله آلی می‌تواند مقادیر زیادی خاک غنی پرورش گیاه در اختیار شهروندان قرار دهد ولی دفن آن با سایر زباله‌ها، آب، خاک و هوا را آلوده می‌کند.

در شهر مونترال ۲۰ درصد زباله‌های آلی، تفکیک و جمع‌آوری می‌شود ولی این میزان هنوز با اهداف شهرداری مونترال برای جداسازی ۶۰ درصدی این گونه زباله‌ها تا سال ۲۰۲۰ فاصله زیادی دارد.

پسماند آلی، ارگانیک یا قابل کمپوست چیست؟

پسماند آلی که بزرگترین بخش پسماند شهری را تشکیل می‌دهد به ضایعات مواد غذایی‌ای اطلاق می‌شود که هر روز دور می‌ریزیم: پوست میوه و سبزیجات، پسماند غذاهایی که می‌پزیم، ضایعات نان و بخش‌هایی از گوشت، مرغ و ماهی که در هنگام پاک کردن از آنها جدا می‌کنیم.

البته به این فهرست می‌توان دستمال کاغذی‌های استفاده شده در هنگام صرف غذا، پاکت‌های کاغذی قهوه‌ای بسته‌بندی غذا و ضایعات باقیمانده پرورش گل و گیاه را هم اضافه کرد.

وجه اشتراک همه این مواد این است که از مواد آلی ساخته شده‌اند و تجزیه‌پذیری بالایی دارند. در مباحث مربوط به مدیریت زباله به آنها مواد قابل کمپوست (Compostable Materials) می‌گویند.

روی خوب سکه؛ طلای قهوه‌ای

مواد قابل کمپوست می‌توانند به عنوان یک سرمایه در جامعه دیده شوند. جدا کردن این مواد در مبدأ توسط شهروندان و جمع‌آوری آن به صورت جداگانه توسط شهرداری، باعث می‌شود که مواد کمپوست‌پذیر از یک زباله متعفن، تبدیل به کودی غنی و بارور برای گیاهان آپارتمانی، باغچه‌ها و فضاهای شهری شوند. همچنین کارخانجات تولید کمپوست می‌توانند به پایگاه‌های ایجاد شغل‌های پایدار دوست‌دار محیط‌زیست تبدیل شوند و قابلیت فروش محصول این کارخانه‌ها می‌تواند به عنوان منبع تولید درآمد برای شهرداری‌ها و شرکت‌های خصوصی به حساب آید.

تبدیل ضایعات آلی یا ارگانیک به خاک مرغوب کشاورزی که به آن طلای قهوه‌ای می‌گویند، از طرفی مصرف کودهای شیمیایی را کم می‌کند و از طرف دیگر باعث افزایش فضای سبز شهری و جذب بیشتر کربن از هوا توسط گیاهان می‌شود.



روی بد سکه؛ گاز متان

در صورت مخلوط شدن زباله ارگانیک با سایر زباله‌ها، همین منبع با ارزش به راحتی می‌تواند رخ بگرداند و دست در دست ناکارآمدی شهرداری‌ها و سهل‌انگاری شهروندان، تبدیل به بلای جان محیط زیست شود. همانطور که می‌دانیم زباله‌هایی که قابلیت بازیافت ندارند در زمین دفن می‌گردند. در خاک‌چال‌های محل دفن پسماند، زباله‌ها تا حد امکان فشرده می‌شوند تا کمترین فضا را اشغال کنند. بنابراین در این مکان‌ها، محیط برای مواد ارگانیک محبوس درمیان زباله‌ها، عاری از اکسیژن خواهد بود و آنها شانس تجزیه هوازی را از دست می‌دهند. فعل و انفعالات شیمیایی بی‌هوازی که در این شرایط اتفاق می‌افتد منجر به تولید گاز گلخانه‌ای متان می‌شود که یکی از مهمترین عوامل گرمایش زمین است. همچنین شیرابه زباله‌های آلی ممکن است فلزات سنگین موجود در زباله‌ها را در مسیر عبور، در خود حل کند و معجونی خطرناک و شدیداً آلوده‌کننده را وارد آب و خاک گرداند.

مدیریت پسماند ارگانیک در مونترال

در یک سیستم بهینه مدیریت پسماند شهری، تولید کمپوست راه حل تبدیل یک تهدید محیط زیستی به فرصتی درخشان است که چهار مرحله را شامل می‌شود. مرحله اول تفکیک مواد قابل کمپوست در مبدأ است. شهرداری مونترال از سال ۲۰۱۵ تفکیک و جمع‌آوری مواد ارگانیک را در دستور کار خود قرار داده است. در ابتدای این طرح توزیع سطل‌های قهوه‌ای زباله‌های آلی در هشت محله و ۱۸۷ هزار خانه آغاز شد. بعد از گذشت دو سال این میزان به ۳۴۴ هزار خانه در ۱۹ محله رسید.

قرار بود تا سال ۲۰۱۹ تمام ساختمان‌های شهر مونترال که کمتر از ۸ آپارتمان دارند، به سطل‌های قهوه‌ای جمع‌آوری کمپوست مجهز باشند. طبق گفته شهرداری مونترال این تعداد حدود یک سوم ساکنان مونترال را پوشش می‌دهد. ولی به نظر می‌رسد با تأخیر یک ساله در راه‌اندازی پروژه ساخت مرکز جدید تولید کمپوست مونترال، این هدف تا سال ۲۰۲۰ به تعویق افتاده است.



در مرحله دوم، پسماند باید از سطح شهر جمع‌آوری و به کارخانه تولید کمپوست حمل گردد. قدم سوم این است که کارخانه‌های تولید کمپوست به ابزار بهینه برای تبدیل این مواد به کود کشاورزی مجهز باشند. در نهایت باید برای محصول به دست آمده بازار و مشتری فراهم کرد.

مسئولیت پذیری شهروندان مونترال

اگر چه زیرساخت تفکیک مواد آلی از سایر زباله‌ها باید توسط شهرداری‌ها فراهم گردد ولی در اجرای کامل و موفق این طرح‌ها، نقش شهروندان مونترال بسیار پررنگ است. استفاده از کیسه‌های نایلونی تجزیه ناپذیر (کیسه پلاستیک‌های معمولی)، کار تولید کمپوست را با مشکل روبرو می‌کند.

بنابراین برای قرارداد مواد کمپوست‌پذیر در سطل‌های ویژه باید از نایلون‌های تجزیه‌پذیر، پاکت‌های روزنامه‌ای دست‌ساز یا پاکت‌های کاغذی قهوه‌ای استفاده کنیم. همچنین باید از مخلوط کردن زباله غیرتجزیه‌پذیر مانند انواع پلاستیک و فوم با زباله‌های قابل کمپوست اجتناب کنیم.

در نهایت متعهد باشیم که زباله‌ها را بر اساس برنامه‌ریزی هفتگی شهرداری محله‌مان در سطل‌های قهوه‌ای و جلوی درب منزل قرار دهیم.

تعهد و آگاهی ما در مورد زباله‌های ارگانیک کمک می‌کند که حجم زباله‌هایی که در زمین دفن می‌شوند کاهش یابد، حجم عملیات مورد نیاز برای تولید کمپوست کم شود و در نهایت شهر ما از نظر معیارهای زیستی، نظیر کیفیت خاک، آب و هوا جای بهتری برای زندگی گردد.



کلینیک دندانپزشکی

ویلری



دکتر انوش عندلیبی

جراح دندانپزشک

تلفن: ۵۱۴۲۷۰۰۰۷۷

61, rue Villeray
métro De Castelnau
Montréal, Qc. H2R 1G2



Clinique Médico-Esthétique

Royal Derma

روپال درما



پوستی شاداب
با طراوت طبیعی

Roya Pirkhandan

Esthéticienne et Technicien de
photoépilation,
photorajeunissement,
Électrolyse et
Thermocoagulation.



مشاوره رایگان
در کلینیک روپال درما

ارایه کلیه مراقبت های زیبایی مدیکال شامل:

- ✓ مراقبت های تخصصی پوست
- ✓ رفع دائمی موهای زاید (الکترولیز، لیزر)
- ✓ اصلاح و درمان لکه های پوستی، ضایعات عروقی
- ✓ جوان سازی و رفع چین و چروک با لیزر

TEL: 438 388 - 8600

www.cliniqueroyalderma.ca

information@cliniqueroyalderma.ca

3020, boul Rome, local 4, Brossard, J4Y 1V9

فروش یادگاری‌های جنگی در مونترال

نفیسه حقیقت‌جوان «والتر بنیامین»، فیلسوف، زیبایی‌شناس و یکی از پیشگامان مکتب فرانکفورت می‌گوید: «پیدا کردن راه در شهر کار دشواری نیست؛ اما این که بتوانی خودت را در یک شهر گم کنی - درست همان‌گونه که در جنگلی گم و رها می‌شویم - نیاز به آموزش دارد.»

پرسه زدن و گم شدن در خیابان‌ها و کوچه پس کوچه‌های شهر، یکی از سرگرمی‌هایی است که بسیاری از مردم جهان به ویژه توریست‌های حرفه‌ای آن را تجربه می‌کنند. تصور اینکه تصمیم بگیریم مقصدی را انتخاب نکنیم و خودمان را به کوچه‌ها و خیابان‌های آشنا و غریب بسپاریم، در حالی که هیجان‌انگیز، شیرین و وسوسه‌کننده است گاهی می‌تواند ترسناک و مخوف هم باشد. با این وجود تضمین می‌کنیم اگر بخواهید «گم شدن در شهر» را تجربه کنید، به طور حتم این کار چنان خاطرات فراموش نشدنی را برایتان به ارمغان خواهد آورد که شما را نه تنها برای خودتان بلکه برای دوستان‌تان هم جاودانه خواهد کرد.

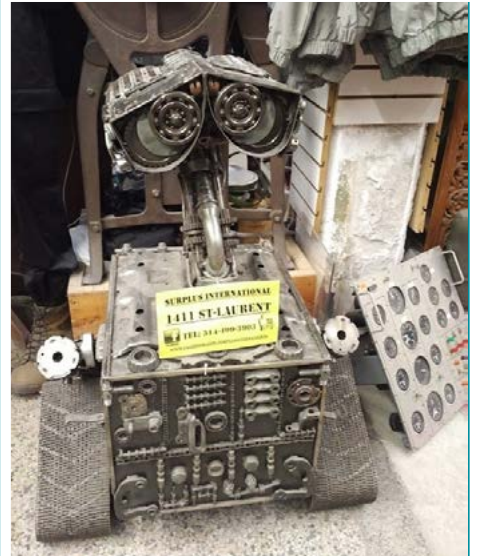
مونترال یکی از مکان‌هایی است به که دلیل داشتن کوچه و خیابان‌های نسبتاً زیاد، می‌تواند جغرافیای مناسبی برای آزمودن و کسب تجربه از بازی گم شدن در شهر باشد. برای شروع این بازی لازم است قبل از هرکاری به خودتان یادآوری کنید، هم در شهر هستید و هم از شهر فاصله می‌گیرید. بنابراین پیش‌فرض‌های کلیشه‌ای که ذهنتان از قبل در مورد شهر ثبت کرده است را در گنج‌های بگذارید و با نگاهی تازه شروع به کشف و بازشناخت مکانی کنید که شاید مثل کف دست‌تان آن را می‌شناسید.

آنچه در ادامه می‌خوانید، حاصل یکی از بازی‌های گم شدن در شهر است.



از مترو سنت لوران که بیرون بیایید و وارد خیابان سنت لوران، حد فاصل خیابان‌های مزونوف و سنت کترین بشوید، در نگاه اول با هیچ جاذبه‌ای مواجه نخواهید شد به جز اینکه ممکن است حال و هوای آنجا آدم را یاد یکی از خیابان‌های مرکزی یا پایین شهر تهران بیاندازد. بدون هیچ رنگ هیجان‌انگیزی، همراه با بویی که تنها باید از مغازه‌های دست دوم فروشی انتظار داشت. از همان رایحه‌هایی که پرتان می‌کند به دورانی که در صندوقخانه یا زیرزمین خانه‌ی قدیمی مادر بزرگ با بچه‌های فامیل بازی می‌کردید.

از خیابان مزونوف به اندازه ۱۵۰ تا ۲۰۰ قدم که به سمت سنت کترین حرکت کنید، سمت چپ‌تان فروشگاه‌ی را خواهید دید که روی تابلوی بزرگ و سبز رنگش با حروفی که رنگ زرد آن جلوه‌ای خاص به تابلو داده، نوشته شده است: «SURPLUS INTERNATIONAL» و پرچم کشورهایی همچون کانادا، لبنان، آمریکا، مکزیک، ایتالیا، اتحاد جماهیر شوروی سابق، آلمان و فرانسه آن را زینت داده‌اند.

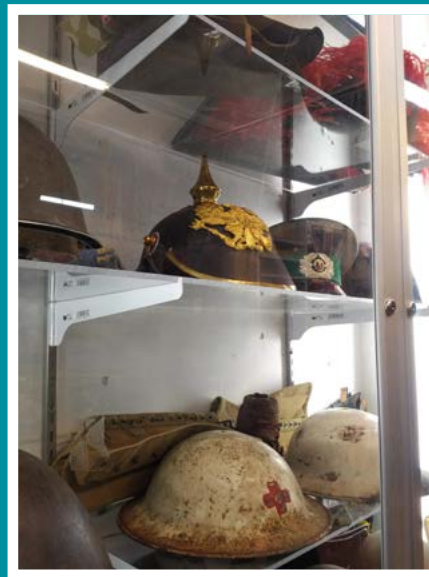


آنچه پشت ویتترین می‌بینید قطعا غافلگیرتان خواهد کرد. این و پا و آن پا نکنید. وارد فروشگاه که شدید برای چند ثانیه چشمانتان را ببندید و با خودتان فکر کنید که زمان متوقف شده است. کسی ورد خوانده و شما به جایی منتقل شده‌اید که میراث‌بر جنگ‌هایی از گوشه گوشه‌ی جهان است. حالا چشمانتان را باز کنید و ریه‌هایتان را از بوی عجیبی که همه آن فضای بزرگ را در تسخیر خود درآورده است، پر کنید. استشمام این رایحه عجیب به طور حتم بیشتر به سلول‌های خاکستری مغزتان کمک خواهد کرد تا متوجه ارزش جایی که در آن قدم گذاشته‌اید بشوید.

فروشگاه یا موزه جنگ

در این فروشگاه که بی‌شابهت به موزه خزنل پزنل‌های جنگ نیست، می‌توانید یک سری اشیای هیجان‌انگیز و گاه عتیقه‌ای که از جنگ جهانی اول و دوم، جنگ ویتنام، جنگ خلیج فارس، جنگ مکزیک و حتی جدال با بومیان آمریکایی و کانادایی به جامانده است را پیدا کنید. از کلاه و پوتین و اورکت جنگی گرفته تا یقلوی، قمقمه، چاقو، کیف، چادر، کوله پشتی، ماسک ضد گاز و چتر نجات. در کمال تعجب چندین ماکت غول آسای بیونیکل (Bionicle) هم در این مغازه وجود دارد که می‌تواند سوژه خوبی برای عکس گرفتن باشد.

فروشگاه گاهی به قدری مملو از مشتری می‌شود که باور کردنش تقریبا غیرممکن است! آدم می‌ماند این مشتری‌ها واقعا از جان این اجناس دست دوم چه می‌خواهند



که اینطور با هیجان به سراغشان می‌روند. برخی نیز لباس‌های نظامی را پرو می‌کنند و آنها را می‌خرند.

یکی از چهار کارمند فروشگاه که فلیپ نام دارد می‌گوید: «تا چند سال پیش نصف این فضا به فروشگاه تعلق داشت، اما استقبال مشتری‌ها به قدری خوب بود که صاحب اینجا تصمیم گرفت آن را توسعه دهد و بلوک کناری را به آن اضافه کردیم. حالا چیزی در حدود ۲۰ هزار قطعه در فروشگاه و انبار وجود دارد که همه آنها جزو اشیای جنگی هستند.»

کار کردن در میان ارواح شهدای جنگ



فلیپ می‌گوید چندماه اولی که در این فروشگاه مشغول به کار بود، مدام احساس می‌کرد روح صاحبان این اشیاء در مغازه در حال رفت و آمد است. هر روز قدم زدن بین لباس‌ها و اجناس برایش هیجان‌آور بود و با خود فکر می‌کرد چقدر عجیب است که اشیاء نمی‌میرند، در حالی که صاحبانشان سالیان سال است که از یاد رفته‌اند. او به مرور متوجه شد که مردم برای

اینکه این لباس‌ها و اشیاء زمانی تن سربازان جنگ بوده است و ارزش و اعتبار معنوی دارند به سراغشان می‌آیند و آنها را می‌خرند.

انبار اصلی این فروشگاه در کبک سیتی است و مالک آن ماهی دست کم دو تا سه بار برای خرید و جمع‌آوری اشیاء بازمانده از جنگ‌هایی که به نوعی در آنها رد پای آمریکا نیز دیده می‌شود به اقصی نقاط دنیا سفر می‌کند. گاه پیش می‌آید که مشتری به دنبال شی خاصی باشد و آنها آن را نداشته باشند و مالک تنها برای یافتن آن شی کیلومترها سفر را به جان می‌خرد تا سفارش مشتری را تهیه کند.





برای او تهیه اقلام بازمانده از جنگ‌ها در اسرائیل و فرانسه، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها به شمار می‌آید. به نظر می‌رسد فرانسوی‌ها به سادگی حاضر به فروش عتیقه‌ها و خنزل پنزل‌های به جا مانده از جنگ‌هایی که در سرزمینشان رخ داده است، نیستند. و البته اسرائیلی‌ها هم تمایل چندانی برای معامله بر سر ادوات جنگی‌شان نشان نمی‌دهند.

یکی دیگر از همکاران فیلیپ که بیشتر در زیر زمین فروشگاه-جایی که شبیه اتاق فرمان کشتی است- کار می‌کند، به گوشه در انتهای سمت چپ فروشگاه اشاره می‌کند و می‌گوید: «آنجا را می‌بینید؛ همانجایی که تعدادی کلاه را در ویتترین‌های شیشه‌ای قرار داده‌ایم. آنجا تعدادی اشیاء هست که متعلق به جنگ جهانی اول است. آن قسمت یکی از بخش‌های مورد علاقه من به شمار می‌رود. شاید بشود گفت آن قسمت تاریخی‌ترین بخش فروشگاه است که اینجا را شبیه موزه‌ای خیابانی کرده است.»

کمی در فروشگاه قدم بزنید و سعی کنید با دقت لابه لای اشیاء را بررسی کنید. تعداد قطعاتی که در این مغازه هستند به قدری زیاد است که می‌شود لاقلاً برای یک ساعت در آنجا وقت گذراند. البته به شرط اینکه از ادوات جنگی خوشتان بیاید یا بخواهید کمی از تاریخ را فارغ از استانداردهای متداول موزه‌داری، در این مکان جست‌وجو کنید. از فروشنده‌ها بخواهید شما را راهنمایی کنند و اطلاعات تخصصی درباره اشیاء دراختیارتان قرار دهند. آنها با کمال میل این کار را برای شما انجام می‌دهند و اصراری هم ندارند که حتماً دست پر شما را راهی خانه کنند.

اگر شانس با شما یار باشد و مشتری هوس خرید به سرش نزده باشد، حتی می‌توانید یک ماشین جنگی، بخشی از یک زیر دریایی نیم‌قرنی و تعدادی لاشه سالم بمب‌های به جا مانده از جنگ جهانی دوم را هم از نزدیک ببینید.



جشنواره
هنری کودکان و
نوجوانان ایران
مونترال



5^e

FESTIVAL ARTISTIQUE
DES ENFANTS IRANIENS
DE MONTRÉAL

26 AVRIL AU 5 MAI 2019

www.jashnevajeha.ca

MLS لیگ فوتبال آمریکای شمالی

عماد بوذری اگر تازه ساکن مونترال شده‌اید یا سال‌هاست که در این شهر زیبا، زمستان‌های وحشی و تابستان‌های شرجی را تجربه می‌کنید و عشق فوتبال دارید حتماً نام لیگ فوتبال MLS را شنیده‌اید. باید نوید دهم که خوشبختانه با لیگی حرفه‌ای، جذاب و پرهیجان روبرو هستیم.

مسابقاتی پرگل، حساس و البته طرفدارهای متعصب در کنار تیم‌هایی که سطح قابل قبولی از تاکتیک تیمی را ارائه می‌دهند، باعث شده لیگ فوتبال MLS علی‌رغم اینکه فوتبال یا آنطور که خودشان می‌گویند Soccer، ورزش اصلی این سرزمین نیست، یک لیگ نسبتاً قابل تأمل جهانی باشد.

بالا رفتن سطح فوتبال اروپا بخصوص لیگ برتر انگلیس تاثیر ملموسی روی کیفیت فوتبال آمریکای شمالی گذاشته است. در کنار این تاثیر، وجود بازیکنان تکنیکی آمریکای مرکزی و جنوبی و بعضاً فوق‌ستاره‌های فوتبال اروپا، باعث شده در لیگ فوتبال آمریکای شمالی شاهد بازی تمیز و قابل قبولی باشیم.

وقتی اسامی چون ابراهیموویچ، تیری آنری، استیو جرال، دیوید بکهام، پیرلو، دروگبا، کاکا، روبی کین، داوید ویلا و باستین شوان‌اشنایدر را می‌شنویم که در سال‌های گذشته در لیگ آمریکای



شمالی بازی کرده‌اند یا هنوز هم مشغول بازی هستند، ناخودآگاه دلمان می‌خواهد که این بزرگان فوتبال را در یک بازی آمریکایی دوباره تماشا کنیم و آن‌ها را در تیم جدید ارزیابی کنیم.

با اطمینان خاطر باید به این نکته اشاره کنیم که انتقال فوق ستاره‌های گران‌قیمت اروپایی به لیگ کانادا و آمریکا باعث نشده که همچون لیگ‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس به بلای لختی و کندی دچار شوند. سرعت فوتبال آمریکای شمالی تقریباً مطابق سلیقه ماست هرچند که در چند سال اخیر با رشد فوتبال در آمریکای شمالی، بازیکنان صاحب نام و شش دانگی از دل این تازه لیگ، متولد شده‌اند. بازیکنانی همچون پیاتی، مارتینز، جمایلی، مونترو، داروین جنیور، سانتوز و لیست همچنان ادامه دارد.

همان‌طور که هفته پیش متذکر شدیم ما ایرانی‌ها از سواد فوتبالی خوبی برخورداریم و با یک نگاه به بازی می‌توانیم سطح فوتبال را ارزیابی کنیم. به همین خاطر باید زودتر این نکته را یادآور شویم که از نظر کیفیت قرار نیست با لیگ اروپایی مانند انگلستان، اسپانیا یا آلمان روبرو شویم ولی خب مطمئن هستیم با همان سطح از هیجان همراه خواهیم شد.

درست است که بازی لیورپول در مقابل منچستر سیتی را تماشا نمی‌کنیم ولی بازی مونترال ایمپکت مقابل تورنتو همان هیجان را زیر پوستمان تزریق خواهد کرد. به شما قول می‌دهیم اگر کمی با ما همراه باقی بمانید و با این لیگ و تیم شهرمان آشنا شوید درست انگار که ال کلاسیکو می‌بینیم و هر وقت که توپ به تیرک دروازه می‌خورد، مشت بر زمین خواهیم کوبید.

MLS MAJOR LEAGUE SOCCER

در ابتدا خیلی وارد قوانین ریز MLS نمی‌شویم. البته که قوانین پیچیده‌ای وجود ندارد ولی با سایر لیگ‌های معتبر، تفاوت‌هایی دارد. بادنبال کردن مسائل MLS و مونترال ایمپکت به عنوان تیم شهرمان، کم‌کم با تفاوت‌ها، اسامی تمامی تیم‌ها و ریز و درشت این لیگ آشنا خواهیم شد.





خیالتان را راحت کنیم که داریم در مورد ۳ دهه تاریخ فوتبال حرفه‌ایی صحبت می‌کنیم.

این سه دهه تلاش بی‌وقفه و حرفه‌ایی و پر مغز باعث شده MLS از نظر کیفیت در رتبه ۷ و از لحاظ تماشاگر فعال رتبه ۱۲ جهانی را از آن خود کند.

با ساختار لیگ شروع خواهیم کرد جایی که تفاوت اصلی دیده می‌شود. وجود فدراسیون شرق و غرب در MLS ما را یاد NBA و یا NFL می‌اندازد. تیم‌ها که در ۱۰ سال گذشته به ۲۴ عدد رسیده‌اند به طور ثابت در لیگ حضور دارند و خبری از سقوط به دسته پایین‌تر نیست. تا اینجای کار یک نگرانی برطرف شد.

۲۴ تیم شامل ۲۱ تیم از ایالات متحده و ۳ تیم از کانادا در این لیگ حضور دارند که شامل دو گروه ۱۲ تیمی از شرق و غرب دو کشور می‌شوند. تیم‌های هر گروه شرق یا غرب پس از بازی‌های رفت و برگشت با توجه به امتیاز کسب کرده در جدول، آرایش می‌گیرند و ۶ تیم برتر به صورت حذفی با یکدیگر رقابت پرهیجانی را برگزار خواهند کرد که نتیجه آن قهرمانی در کنفرانس است.

قهرمان کنفرانس در یک بازی فینال به مصاف دیگر قهرمان کنفرانس از سمت دیگر دو کشور (غرب یا شرق) می‌رود. جایی که در یک دیدار پر زد و خورد، تکلیف قهرمان MLS روشن خواهد شد. تیم قهرمان جایزه Supporters Shield را از آن خود خواهد کرد.

لیگ MLS از ماه مارس شروع و تا دسامبر ادامه خواهد داشت. جالب بود اگر در ماه فوریه هم بازی در مونترال برگزار می‌شد. آن موقع فوتبال ایگلوها حسابی دیدن داشت.

فعلا از ذکر تمام تیم‌ها اجتناب می‌کنیم، چون در آینده اسامی را بارها خواهیم شنید. برای شروع بد نیست بدانید که تیم‌های فوتبال مونترال و تورنتو در کنفرانس شرق و ونکوور در کنفرانس غرب قرار دارند. از تیم‌های پر افتخار این لیگ هم می‌توانیم به لس‌آنجلس گلکسی و دی‌سی‌یونایتد از کنفرانس غرب و نیویورک رد بالز از شرق اشاره کنیم. نکته بسیار هیجان‌انگیز اینجاست که دیدار مونترال و تورنتو در کنفرانس شرق دربی محسوب خواهد شد و این دیدار شما را سر وجد خواهد آورد. حساسیت، هیجان، سرعت و زد و خورد با چاشنی تعصب دیرینه بین دو فرهنگ، این فوتبال را از مسابقه لیگ خارج و به جدالی حیثیتی تبدیل می‌کند.

برای این بازی حنجره خود را حسابی گرم کنید قرار است گوش تورنتویی‌ها را پاره کنیم. قراره سوراخ سوراخ‌شان کنیم. تیم‌های آمریکایی و در صدر آن‌ها باشگاه متمول لس‌آنجلس گلکسی با استفاده از قانونی در سال ۲۰۰۷ و با در اختیار گرفتن دوید بک‌هام افسانه‌ایی از رئال مادرید به رقم ۲۵۰ میلیون دلار برای ۵ سال باعث شدند MLS از لیگی ورشکسته و بدون بیننده به لیگی حرفه‌ایی و پر تماشاگر تبدیل شود.

رشد تجاری MLS خارق‌العاده بوده بطوری که در هیچ لیگ و یا ورزشی دیگری این میزان از رشد تجربه نشده است.

آمارها حاکی از آن است که در سال ۲۰۰۸ ارزش لیگ حدود ۳۷ میلیون دلار ارزیابی شده بود در صورتی که در سال ۲۰۱۸ این رقم به ۲۴۰ میلیون دلار رسید. این جهش چشمگیر مدیون بازی‌های زیبا، نفس‌گیر و زیرساخت‌های عمرانی و شهری حرفه‌ایی از نوع آمریکایی و تماشاگران متعصب است.

هر باشگاه آکادمی درست حسابی بنا کرده تا از نیروی رو به رشد نوجوان که اتفاقا اغلب مهاجر هستند، بازیکنان بزرگی بسازد. بازیکنانی که در آینده اعتبار MLS را حتی بیشتر افزایش دهند.

ما داریم به اتفاقی به نام فوتبال از زاویه MLS نگاه می‌کنیم
ما در حال تماشای شناسنامه MLS هستیم
بخشی از این ابتدا باشید، آینده شما رو متعجب خواهد کرد.

MIGRATION DES OISEAUX

UN COUP D'ŒIL SUR L'IMMIGRATION À TRAVERS LA POÉSIE
ET LA MUSIQUE PERSANE.



گروه موسیقی دība تقدیم میکند:
کوچ پرستوها

DIBA MUSIQUE

COMPOSITION ET ARRANGEMENT:

REZA ABAEE

CHANT:

ELHAM MANOUCHEHRI

M-REZA PARHIZKARI

POORIA POURNAZERI

BERTIL SCHULRABE

DIDEM BAŞAR

OLIVIA MÜSAT

SIMON PAGE

ELHAM MANOUCHEHRI

REZA ABAEE



VENDREDI, 31 MAI 2019 À 8PM • GESÙ

SALLE DU GESÙ: 1200 RUE DE BLEURY, MONTREAL, QUEBEC 514 861-4378

📍 PLACE-DES-ARTS

آوازه خوان غربی قورباغه دو دلاری موتترال

زینب یوسف زاده در فوریه سال گذشته یکی از طرح‌های توسعه بندر موتترال برای ساخت یک اسکله بزرگ، به خاطر یک قورباغه کوچک متوقف شد. این قورباغه که به اندازه یک لونی (سکه دو دلاری کانادا) است، قورباغه آوازه خوان غربی (Western chorus frogs) نام دارد. جمعیت این قورباغه با توجه به توسعه حمل‌ونقل در رودخانه سن‌لوران و حوزه دریاچه بزرگ، در ده ساله گذشته به میزان ۳۷ درصد کاهش یافته و این دوزیست کوچک را در میان گونه‌های در معرض تهدید استان کبک جای داده است.

آوازه خوان غربی یک قورباغه درختی با پوستی نرم و صاف است که ممکن است در طیف رنگ‌های سبز-خاکستری تا قهوه‌ای دیده شود. مشخصه ظاهری این قورباغه دو نوار تیره رنگ است که از روی چشم‌هایش می‌گذرند و در دو طرف بدنش ادامه می‌یابند. همچنین یک نوار سفید رنگ نیز بالای لب بالایی‌اش نقش بسته است. این گونه قورباغه به راحتی می‌تواند با عموزاده خود، قورباغه آوازه خوان شمالی (Boreal chorus frogs) اشتباه گرفته شود ولی متخصصان با توجه به تفاوت در اندازه پاهای پشتی، زیستگاه و فرکانس صدایشان می‌توانند آنها را از هم تشخیص دهند.





تنها زیستگاه باقیمانده قورباغه آوازه‌خوان غربی در کانادا، جنوب اتاوا در استان انتاریو و ساحل شمالی سن‌لوران در استان کبک است. همچنین در مناطقی از شرق آمریکا نیز این گونه را می‌توان دید. قورباغه آوازه‌خوان ترجیح می‌دهد که در مناطق باز جنگلی و در کنار برکه‌ها زندگی کند. این قورباغه در هر آبی که حداقل ده سانتیمتر عمق داشته باشد و ماهی در آن نباشد، می‌تواند زادآوری کند. این آب‌های کم عمق می‌توانند شامل دریاچه‌های کم عمق، باتلاق‌ها و یا حتی چاله‌های آب گرفته در حاشیه جاده‌ها باشند.

قورباغه‌های آوازه‌خوان در اواسط مارس و بیشتر در ماه آوریل، وقتی هنوز یخ و برف وجود دارد، جفتگیری می‌کنند. آنها جز اولین گروه قورباغه‌هایی هستند که صدای دعوت‌شان به جفتگیری در بهار، چمنزارهای مونترال را سرشار از زندگی می‌کند. صدایشان مانند یک گروه کر است که از طرف جفتشان پاسخ داده می‌شود و همنوایی زیبایی را می‌سازد. این صدا که هم روزها و هم شب‌ها شنیده می‌شود، به صوتی شباهت دارد که در هنگام کشیدن انگشت در راستای عمود بر دندان‌های یک شانه تولید می‌گردد. ویدیوی زیر را ببینید.



تولید مثل قورباغه‌های آوازه‌خوان همانند سایر قورباغه‌ها انجام می‌شود. تخم‌ها در بیرون از بدن قورباغه مادر بارور می‌گردند. قورباغه ماده تخم‌ها را به صورت یک توده چسبناک بر روی بافت گیاهی حاشیه برکه می‌گذارد و قورباغه نر در همان زمان اسپرم‌هایش را روی آن می‌ریزد و جفت برای اینکه اطمینان حاصل کنند که تخم‌ها توسط اسپرم‌ها بارور شده‌اند، حرکات ویژه جفتگیری قورباغه‌ها را انجام می‌دهند. بعد از چند هفته بچه‌قورباغه‌ها با دم بلندشان از توی تخم بیرون می‌آیند و دوران دگردیسی خود را در آب ادامه می‌دهند. در اوایل تابستان دگردیسی قورباغه‌ها کامل می‌شود و معمولاً در یک سالگی به بلوغ می‌رسند.

غذای قورباغه‌ها را حشرات و بی‌مهرگان تشکیل می‌دهد. قورباغه‌ها معمولاً بیش از سه سال عمر نمی‌کنند و در عمر کوتاه خود یکی از حلقه‌های مهم چرخه غذا در طبیعت و تداوم حیات سایر حیوانات گوشتخوار را می‌سازند.

در ماه آوریل امسال وقتی در کنار رودخانه سن لوران یا در مناطق جنگلی این حوزه آبخیز قدم می‌زنید، شنیدن آهنگ کر عاشقانه قورباغه‌های آوازه‌خوان غربی را فراموش نکنید، همنوایی باشکوهی که ما را به یکپارچه دیدن این طبیعت زیبا دعوت می‌کند.





ترجمه رسمی کلیه اسناد و مدارک
گواهی امضا و کپی برابر اصل
ترجمه شفاهی در محاکم و ادارات
تکمیل فرمهای مختلف
اخذ ویزای توریستی

Farhang

دارالترجمه رسمی فرهنگ

Downtown

1650, Maisonneuve West, #202,
H3H 2P3 - Montréal, Québec, Canada
Tel : +1-514 691 4383
Toll free from Iran: (021)-853 128 32
Email: r.davoudi@farhang.ca

NDG

3285 Cavendish Blvd, #355
Montreal Quebec, H4B 2L9
Tel : +1-514 916 0083

IRAN

تهران، کارگر شمالی، تقاطع بلوار کشاورز،
نبش کوچه گیتی، پلاک ۱۱۷۲، طبقه ۲، واحد ۲
Tel : +98- 21 6642 1511 / 6694 8154
Email: h.davoudi@farhang.ca

طراحی: آتلیه گرافیک مانا ۳۷۴۶-۸۳۴-۵۱۴

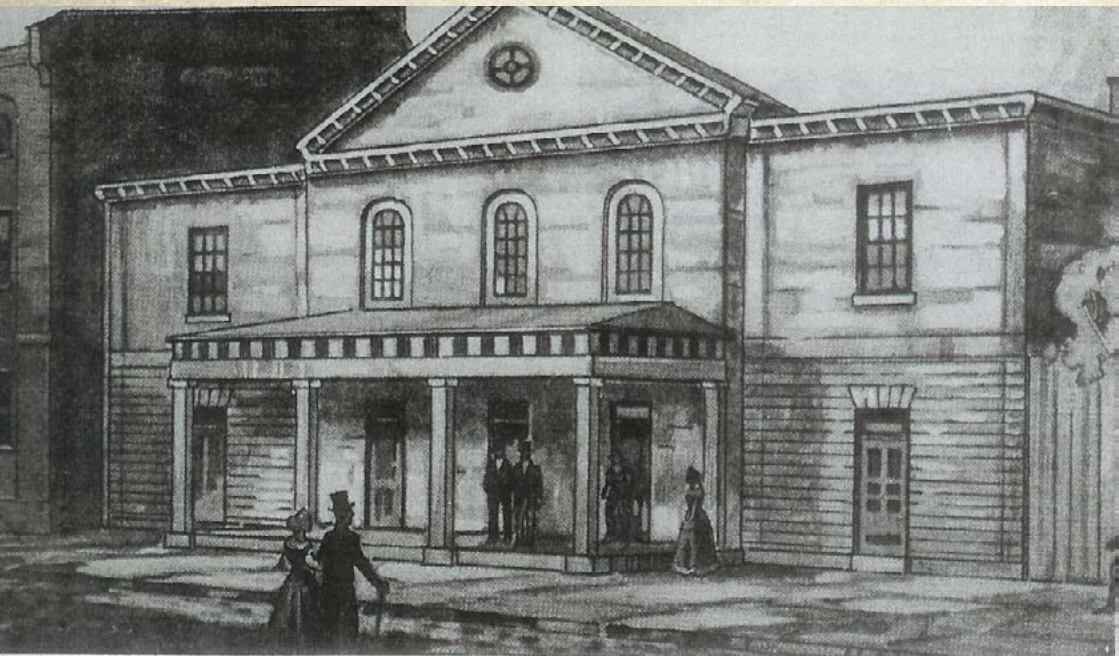
به مناسبت سالروز نخستین اجرای تئاتر در مونترال

مونترال در مرکز تقابل کلیسا و تئاتر در فرانسه‌ی نو

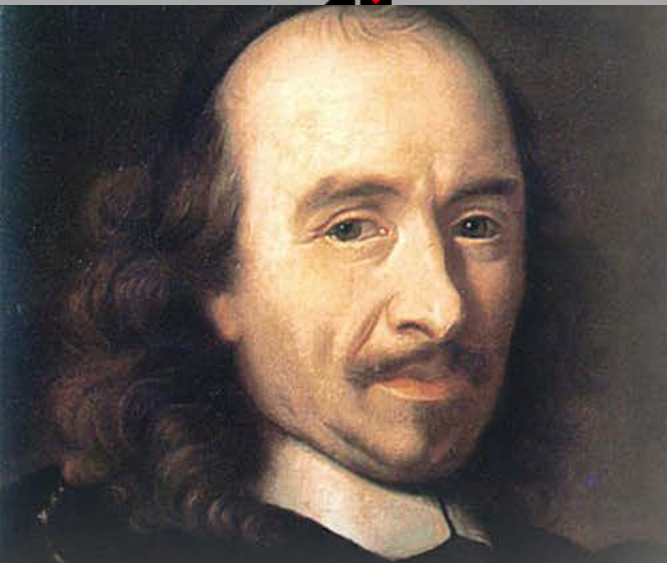
زمان: ۱۶ آوریل ۱۶۵۱

مکان: مونترال، مکانی نامعلوم

مریم ایرانی مونترال یکی از شهرهایی است که مقصد زندگی و بازدید بسیاری از هنرمندان از سراسر کانادا است. حجم انبوهی از موزه‌های هنرهای تجسمی، گالری‌های نقاشی و آثار هنری، مراکز فرهنگی و هنری و نیز سالن‌های سینمایی و تئاتری را اضافه کنید به حجم انبوه فستیوال‌ها و جشنواره‌های مختلفی که در گوشه‌گوشه این شهر برگزار می‌شوند. برای همین هم هست که در گذر زمان این شماره به سراغ پیشینه برگزاری نخستین اجرای تئاتر در مونترال می‌رویم. نمایشی که یک کارگردان و بازیگر فرانسوی برای اولین بار به روی صحنه یکی از سالن‌های نوپای این شهر در قرن ۱۷ میلادی برد.



Le premier théâtre montréalais :
le Royal ou Molson,



آغاز ماجرای تئاتر در سرزمین‌های فرانسه جدید

در قرن ۱۷ میلادی، فرانسوی‌ها سه نمایشنامه‌نویس مشهور و سرشناس داشتند که به آن‌ها افتخار می‌کردند. از این سه نفر «مولیر» شهرتی جهانی‌تر دارد. با این حال یکی دیگر از این افراد کسی بود که برای نخستین بار، پای هنر ماندگار تئاتر را به مونترال باز کرد.

«پیر کورنی» Pierre Corneille نمایشنامه‌نویس مشهوری بود. شهرت او در فرانسه به دلیل نگاشتن نمایشنامه-پرابی به نام Le Cid بود که بسیار مورد تشویق محافل هنری پاریس قرار گرفت ولی از طرفی مورد انتقاد بخشی از جامعه هنری هم بود که اصول نمایشنامه‌نویسی کلاسیک در آن رعایت نشده‌است. با این حال نمایش Le Cid به سرعت معروف و روی یکی از صحنه‌های اصلی تئاتر پاریس اجرا شد. نمایش درباره یک جنگاور اسپانیایی است که در دوران تسلط اعراب بر اسپانیا برای مسلمانان و نیز ارتش اسپانیا به میدان نبرد می‌رود و به عنوان یک چهره بسیار مهم در تاریخ سیاسی ماندگار می‌شود.

کلمه Cid از واژه عربی سید گرفته‌شده بود و در واقع یک اسم مستعار برای این مبارز است. نکته اصلی این نمایش در این بود که سبک نوشتاری‌اش تراژیک بود ولی پایانی خوش داشت و این نوآوری عجیب نویسنده آن به شمار می‌رفت. به افتخار کورنی سالن تئاتری به این نام در مونترال امروز به نام او وجود دارد.

کلیسا بزرگترین مخالف تئاتر

مخالفت کلیسا با بحث تئاتر و نماش عمومی آن در بین مردم باعث می‌شد که هنر تئاتر در خود فرانسه که خواستگاه آن بود هم تضعیف شود چه برسد به جامعه کبک که به شدت مذهبی و تحت سلطه کلیسا بود. با این حال در برخی از استان‌های کانادا که دارای مردم فرانسوی‌زبان بودند مثل ایالت نیوبرانزویک، تلاش‌هایی برای جا انداختن نمایش عمومی و تئاتر انجام شده بود.

به طور پراکنده گاهی دیده می‌شد که در رثای جنگاوری و قهرمانی برخی چهره‌های فرانسوی در کبک نمایش‌هایی مثل تئاتر اجرا شود ولی با این حال تا سال ۱۶۴۰ در کبک هیچ تئاتری به طور رسمی اجرا نشد که دلیلش هم همان مخالفت کلیسا با این مساله بود.

در سال ۱۶۵۱ بالاخره نمایش Le Cid در مونترال به روی صحنه رفت. با این حال مخالفت‌ها باعث شدند تا همیشه برای اجراهای عمومی چالش‌هایی بین کلیسا و مردم وجود داشته‌باشد. از جمله بزرگترین اتفاقی که در این زمینه افتاد، دستور اسقف اعظم «سن والری» با یکی از اجراهای نمایش مولیر بود که به کلیساستیزی شهره بود. حتی فرماندار وقت کنت فرانتوناک هم نتوانست نظر او را برگرداند و قانون ممنوعیت اجرای تئاتر باعث شد تا جلوی پیشرفت این هنر در کانادا گرفته‌شود.





بعد از رنسانس و آغاز عصر جدید در اروپا و کم رنگ شدن قدرت کلیسا، جنبشی برای احیای تئاتر در کبک هم آغاز شد و در سال ۱۸۷۰ مهاجران اروپایی برای اولین بار در مونترال گروه تئاتری حرفه‌ای به نام «جامعه تئاتر» را بنیان نهادند که به سرعت توانست جایگاه خودش را پیدا کند و تئاترهای کلاسیک و مدرن زیادی را به روی صحنه ببرد.

با این حال کلیسا در ادامه مخالفت‌هایش برای اینکه تئاتر را تضعیف کند، از حامیان تئاتر به شدت انتقاد می‌کرد و اجازه نمی‌داد به تئاتر کمک مالی شود. همین باعث شد، باز هم این هنر مهجور باقی بماند. اما هنرمندان همچنان به تلاش‌های خود ادامه دادند و در سال ۱۸۲۵، یک سالن تئاتر مشهور در مونترال گشایش پیدا کرد که «تئاتر رویال» نامیده می‌شد. این سالن به دست جان مولسونیکی از مشهورترین تاجران انگلیسی مونترال بنا شد و یکی از داستان‌های چارلز دیکنز با حضور خود او به روی صحنه رفت.

این سالن به طور ویژه شروع به اجراهای گسترده تئاترهای روز مخصوصاً آثار شکسپیر و نویسندگان دیگر کرد و به این ترتیب داستان تئاتر در کبک ادامه پیدا کرد. اما با آتش‌سوزی بزرگی که این سالن را تخریب کرد می‌توان گفت که رویاهای بسیاری تا سالیان بعدی برای تئاتر در کبک به محاق فرو رفت. دوران مدرن تئاتر در کبک قصه مفصل‌تری دارد که در شماره‌های آینده آن را دنبال می‌کنیم.

LE CID

TRAGI-COMEDIE



A PARIS,
Chez AUGUSTIN COVRBE, Im-
primeur & Libraire de Monseigneur
frere du Roy, dans la petite Salle du
Palais, à la Palme.

M. DC. XXXVII.
AVEC PRIVILEGE DU ROY.

شرکت تجاری پاسیفیک

- ✓ ارائه مشاوره مالی جهت انتقال سرمایه
- ✓ ارائه کلیه خدمات مبادلات ارزی
- ✓ به ایران و برعکس

Tel. : (514) 289 9011 Office

(514) 9469011 Mobile

Add. : 1117 Ste. Catherine west

Suite #511 Mtl. Qc. H3B 1H9



PA

I.C. Pacific Trading Inc.

مداد

را در

رسانه‌های اجتماعی

دنبال کنید!

[instagram.com/mtl_medad](https://www.instagram.com/mtl_medad)

goo.gl/4xL4yV

fb.me/MTLMedad

twitter.com/Medad_MTL



Immigration Services

ویزا و اقامت در کانادا

ارایه پکیج های موفق مهاجرتی
ارزیابی رایگان



مشاوره حقوقی توسط مشاوران و وکلا
رسمی شورای مهاجرت کانادا

Barreau du Québec - ICCRC

Adresse : 1396, rue Sainte-Catherine Ouest,
Suite 414 , 415 Montréal (Québec) H3G 1P9
Canada

+1-514-647-4335  

+1-514-379-1669 



اگر از خواندن **مداد** لذت می‌برید
اشتراک آن را
به دوستان خود پیشنهاد دهید
اشتراک مداد رایگان است

فرم اشتراک